



۲۰۱۶/۱۲/۳۱



حمید انوری

"پسر کو ندارد نشان از پدر"

این روز ها گویا آهسته آهسته جای "احمد مسعود" پسر "احمدشاه مسعود" را "حبیب الرحمان حکمتیار" فرزند گلبدین اشغال میکند. هنوز گلبدین جرئت و شهامت داخل شدن به کابل را نیافته است که فرزند یا در حقیقت برادرزاده خود را به کابل فرستاده است که وظیفه تبلیغات او را به عهده گرفته و مستقیم و غیر مستقیم به شورای نظاری ها و جمعیتی ها تفهیم نماید که زمان مصرف شان به سر رسیده است و باید بار و بستری شانرا جمع کرده و آماده رفتن گردند. این گویا پسر گلبدین از سر لطف مقامات ارگ، هر گاه و ناگاهی در هر محفل و گردهمایی و فاتحه و جنازه ای حضور بهم رسانیده و جنگیاتی را سرهم میکند که به جز یک مشت افراد فروخته شده و مزدور، هیچ خریداری ندارد و مردم افغانستان هنوز جنایات وحشتناک و خانه خراب کن گلبدین و باند تروریستی او را فراموش نکرده اند و هرگز هم نمی گذاریم فراموش گردد. اینبار گلبدین پسر برادر خود را که او هم کشته دست گلبدین بوده است به مراسم عزاداری تازه داماد نامرادش فرستاده است که نگاهی می اندازیم به چرندیات و جنگیات او:

حبیب الرحمان حکمتیار: طالبان گروه خوارج و مزدوران خارجی ها هستند

حبیب الرحمان حکمتیار، پسر گلبدین حکمتیار، دیروز پنج شنبه (۹ جدی) در مراسم یاد بود از کشته گان خانواده معلم میرولی، گفت که طالبان قاتلان و مزدوران و از گروه خوارج هستند.



حبیب الرحمان گفت: در این اواخر از رسانه ها شنیده می شود که این قاتلان و مزدوران را خوارج می گویند، اما باید بگوییم که اینان از خوارج بدتر هستند.

آیا یک ذره وجدان در وجود این حبیب الرحمان وجود دارد، یا مانند پدرخوانده اش خالی از وجدان است؟! او چگونه می خواهد از مزدوری های چندین جانبه گلبدین چشم پوشی نماید، فرد جاسوس و فروخته شده ای که معتمدترین مزدور (سی آی ای) و (آی اس آی) و (موساد) و... بوده و یک قاتل حرفوی است که بیشتر از سه دهه مشغول کشتار هموطنان شریف ما در پاکستان و افغانستان است.

از طرف دیگر ما که همه روزه و بلاوقفه اکثریت نشرات و گزارشات داخلی و خارجی را در مورد کشور محبوب خود تعقیب میکنیم، هرگز به چنین کلمه "خوارج"، چه در مورد طالبان و چه هم در مورد تنظیم های جهاد فروش به شمول تنظیم گویا پدر شما که همانا حزب اسلامی وی باشد، برنخورده ایم و خوب هم میدانیم که این اصطلاح را گلبدین در دهان ناپاک شما گذاشته و در مغز پوچ تان کاشته است. چه خوش گفته اند "پسر کو ندارد نشان از پدر، تو بیگانه خوانش، مخوانش پسر".

او تأکید کرد که همه هراس افگنان نوکران بیگانه گان استند.

مگر می شود قبله گاه شما را که بیشتر از سی سال مشغول کشتار هموطنان مظلوم ما بوده است و کابل زیبا را به یک ویرانه غم انگیز مبدل ساخت و تنها و تنها در کابل بیشتر از شصت و پنج هزار (۶۵۰۰۰) هموطنان بی گناه و بی دفاع ما را از دم تیغ عداوتش گذشتاند و دریای از خون جاری ساخت و...، از جمله همین هراس افگنان و نوکران بیگانگان ندانست و پاک و منزله در غندی خیرش نشانده؟!!

به این میگویند "کور خود و بینای مردم" و به این میگویند دیده درائی و چشم پارگی. زمانیکه جوال دوز را بر تن مردم فرو میکنید، لاقل سر سوزن را بر انگشت خون آلوده خود فرو کنید تا بدانید درد جانسوز و سوزش جگر مردم یعنی چه.

گلبدین حکمتیار در پیامی به شرکت کننده گان این مراسم، تأکید ورزید که عواملان حمله ها بر غیر نظامیان به سزای اعمال شان خواهند رسید.

گلبدین با این پیام بی شرمانه خود، گویا به ریش خود خندیده است. او که اکنون شیرک شده است، چگونه فراموش باید کرده باشد خون های پاک بیشتر از شصت و پنج هزار (۶۵۰۰۰) باشندگان غیر نظامی کابل را که بیشماری از آن جانبختگان بی گناه، تازه داماد بوده اند، اطفال و کودکان پاک و معصوم بوده اند، شیرخوارگانی بوده اند که تازه چشم به این دنیای دون گشوده بودند، تازه عروسانی بوده اند که یک دنیا امید و آرزو برای آینده شان داشته اند، مادران و پدرانی بوده اند که جگرگوشه ها و توتیه های جگر شان در مقابل چشمان شان پارچه پارچه شده است و...، اینهمه جرم و جنایت و خطا و خیانت را چگونه می شود فراموش کرد؟!!

حال که گلبدین لاف و پتاق سر داده و گویا "عواملان حمله ها بر غیرنظامیان را به سزای اعمال شان" میرساند، صرف نظر از اینکه نظر به توافقی که با ارگ کابل نموده است، باید تمام سلاح های دست داشته را تحویل مقامات کابل داده و شاخه نظامی حزب خود را هم منحل اعلان کند، چگونه قادر به انجام چنین ادعای میان خالی است. از جانب دیگر اگر قرار باشد طراحان حمله بر منزل "میرولی" را مجازات کرد، در قدم نخست این کار مقامات امنیتی و قضائی حکومت دوسره کابل است و نه از گلبدین و حزب منحل او، در قدم دوم هم اگر قرار باشد طراحان آن حمله و حملات دیگر انتحاری و انفجاری و ... را مجازات کنند، گلبدین را باید شصت و پنج هزار بار اعدام کنند!!

میر ولی، نماینده مردم هلمند در مجلس، اظهار داشت: به هیت الله آخندزاده می گویم که تو حالا که غلام روس شده یی، ما سال ها پیش روس را شکست داده بودیم. حالا تو بگو که تو مجاهد هستی یا من.

و اما به میرولی باید گفت که نه تو مجاهد بوده ئی و نه هم هیت الله آخندزاده مجاهد است، نه گلبدین و قطب الدین مجاهد بوده اند و نه هم ملا عمر و ربانی و سیاف و...، شما ها همه سر و ته یک کرباس و فقط و فقط جهاد فروش و سوداگران جهاد و مجاهد و دین و مذهب و وطن و مردم بوده و هستید که خدا شر شما را از سر این ملت و مملکت کم کند. شماها همه غلامان اجنبی بودید و هستید هنوز.

حامد کرزی، رییس جمهور پیشین نیز در یک تماس تلفنی این حمله را نکوهش کرد و به خانواده های کشته گان تسلیت گفت.

این حامد کرزی هم هرگز در نظر ندارد دست از این چاپلوسی هایش بردارد، گاهی طالبان را برادران خود قلمداد میکند و گاهی هم "برادر حکمتیار" را تاج سر خود می سازد و همچنان مشغول توطئه و ترفند است. **عمرت کوتاه باد!!!**

حکمت خلیل کرزی، معین سیاسی وزارت امور خارجه، بیان کرد: نمی دانم که کشتن کودک ۱۰ ساله و دیگر کودکان در کدام کتاب هست؟ من که شنیدم به خانه معلم میرولی حمله شد. خیلی بر من تأثیر کرد و وقتی شنیدیم در خانه زنان و کودکان هم داخل شدند، از خود پرسیدم که این چه عملی است که اینان می کنند! جناب "حکمت خلیل" شما می فرمائید: "... من که شنیدم به خانه معلم میرولی حمله شد. خیلی بر من تأثیر کرد..."

از شما فقط و فقط و صرف یک سوال میتواند مطرح گردد و آنهم اینکه آیا هر حمله انتحاری و انفجاری و رو در رو که تنها و تنها در همان کابل که شما در آن زندگی میکنید، صد ها و هزاران هموطن شریف ما را به خاک و خون می کشاند و قصه هر روز گردیده است، بالای شما همین تأثیر را وارد میکند و یا اینکه فقط همین حمله و با شنیدن نام "میرولی" این احساس برای تان دست داد و بر شما تأثیر گذاشت؟! باقی خود دانید معین صاحب سیاسی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان. در حمله هراس افکنان بر خانه معلم میرولی، نماینده مردم هلمند در مجلس نمایندهگان، هشت تن جان باختند و چندین تن دیگر زخم برداشتند. طالبان مسؤلیت این حمله را پذیرفتند.

و حرف آخر اینکه استخبارات طالبان چنان وسیع و دقیق است که از هر حرکتی حتی در زیر ریش ارگ کابل هم از قبل اطلاع حاصل کرده و طرح حمله میریزند و آنرا با بسیار سادگی انجام میدهند. این درحالیست که ریاست استخبارات رژیم یا همان امنیت ملی به دوش یک فرد مظنون و ناکارآمد گذاشته شده است. به این تصویر هم دقت کنید و اندکی درنگ که این کشور را چگونه به یک پرتگاه مهیب دیگر رهنمون می شوند. **ننگ شان باد!!!**

اینان که برین ملك كنون سرهنگ اند
خضم هنر و زندگی و فرهنگ اند
فردا که ورق خورد کتاب تاریخ
مشتی نام اند و معنی هر ننگ اند

